

## حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن

روح الله طاهرنیا<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

### چکیده:

در بیست و چهارم جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ ق با صدور فرمان مشروطیت به دست مظفر الدین شاه قاجار، مجلس شورای ملی برای نخستین بار در هفدهم شعبان ۱۳۲۴ ق کشور افتتاح شد و به دستور مجلس، هیئتی به تدوین نظامنامه قانون اساسی پرداخت. پس از آن، نظامنامه قانون اساسی در ۵۱ اصل (ماده) تهیه شد و در چهاردهم ذی‌عده ۱۳۲۴ ق، به امضای مظفر الدین شاه و محمدعلی میرزا (ولیعهد) و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (صدر اعظم) رسید. این قانون که بیشتر مربوط به تشکیل مجلس، وظایف، حدود و حقوق آن بود و چون وافی به مقصود نبود و در این قانون از وظایف مردم نسبت به دولت و بالعکس سخنی نرفته بود، بنابراین مجلس هیئتی را مأمور تهیه متمم قانون اساسی کرد که این هیئت، متمم قانون را در ۱۰۷ ماده و با استفاده از قوانین اساسی بلژیک و فرانسه تدوین و به مجلس ارائه نمود. اما چون روح قانون، متأثر از فرهنگ غیرمذهبی اروپای قرن نوزدهم بود و اصولی از آن آشکارا با احکام اسلامی مغایرت داشت با مخالفت گروهی از متقدمان روحانی در داخل و خارج از مجلس مواجه شد. در نتیجه پس از یک کشمکش سیاسی میان مجلس و دربار بر سر برخی از اصول، از جمله اصولی که اختیارات شاه را به شدت محدود می کرد، سرانجام مجلس، متمم قانون اساسی را، در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق، به امضای محمدعلی شاه رساند. اصول یک تا هفت متمم، راجع به اصول و مبانی کلی نظام، اصول هشت تا بیست راجع به حقوق و آزادی های مردم، اصول بیست و شش تا یکصد و هفت راجع به قواعد و ضوابط ساختار حکومت و نحوه توزیع اقتدار حکومت بین قوای سه گانه و بخش های مختلف حکومت بود.

### واژگان اصلی:

قانون اساسی مشروطه، متمم قانون اساسی مشروطه، حقوق ملت و پادشاه

## بیان مسئله

شناخت حقوق اجتماعی افراد و تعیین حدود آن در رابطه با قدرت دولت، نفی حکومت مطلق، توزیع قدرت و بنیان نهادن سیاست بر قانون اساسی، تربیت ملت در آشنایی به حقوق خویش و همکاری اجتماعی، تشکیل حکومت متمرکز و تحول و اصلاح در نظام دیوان سالاری فرسوده ی قاجار از مهمترین مواردی بود که با تأسیس قانون اساسی در ساخت حکومت ایران وارد گردید. قانون اساسی پرداخته ی قواعد و ضوابطی است که حاکم بر روابط میان ملت و دولت و حاکم بر نظام دولت است. به تعبیر دیگر قانون اساسی رشته ای است که روابط افراد جامعه را با دولت بهم پیوند می دهد و حقوق و حدود هر کدام را مشخص می کند. این موارد بالا با نهضت مشروطیت اتفاق افتاد، این نهضت یکی از مهم ترین نهضت های تاریخ معاصر ایران و الهام بخش نهضت های دیگر در ایران و خاورمیانه است که به لحاظ تاثیرگذاری بر سیاست و فرهنگ ایران زمین بعنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می رود و امروزه بسیاری از مورخان و صاحب نظران، تحقیق در مورد ریشه های نهضت مشروطیت را برای آشنایی نسل حاضر با رویدادهای گذشته، سیاست و فرهنگ گذشته کشور خویش و عبرت آموزی از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود امری حیاتی به شمار می آورند و با آنکه بیش از یک قرن از این رویداد مهم می گذرد اما هنوز نکات مهمی درباره ی آن مبهم است که یکی از نکات مهم و مبهم آن حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن در دوره قاجار و بویژه نهضت مشروطه است.

## هدف از پژوهش

هدف از این پژوهش پرداختن به حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن در دوره قاجار و بویژه نهضت مشروطه می باشد.

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تاریخی، توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه ای و بررسی اسناد است و در بررسی کتابخانه ای منابع دست اولی که راجع به حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن نوشته شده در اولویت هستند و اصلی ترین منابع تحقیق اند. در این مقاله محقق به دنبال بررسی و پاسخ به این سوال اساسی است. سوال این است حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن چه بود؟

## مقدمه

متن قانون اساسی در ۵۱ اصل در تاریخ هشتم دی ماه ۱۲۸۵ خورشیدی (۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ میلادی) به توشیح مظفرالدین شاه و امضای ولیعهد و صدراعظم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی رسید. چون متن این قانون بعد از موفقیت مشروطه خواهان در گرفتن فرمان مشروطه، با «عجله و در فرصتی کوتاه» تنظیم شده بود و شامل «تمام مواد اساسی و ضروری» نمی‌شد و در آن بحثی از حقوق ملت و سایر مسائل مهم در رابطه با اختیارات حکومت و حقوق ملت نیامده بود در نتیجه این موضوع باعث شد که بر متن قانون اساسی ایراد وارد شود. با مشخص شدن این ایراد بر متن قانون اساسی مشروطه، بحث تغییر و تکمیل آن مطرح و هیئتی به منظور تدوین اصول جدید انتخاب که حاصل کار آنها تهیه و تنظیم متمم قانون اساسی بود که در ۱۰۷ ماده تهیه و تنظیم شد و به دنبال آن متمم قانون اساسی به فاصله کمتر از یک سال بعد از تصویب قانون اساسی به تصویب مجلس رسید. قانون جدید موسوم به متمم قانون اساسی در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ در نخستین سالگرد مجلس به تصویب رسید و محمدعلی شاه نیز آن را پس از مدتی مقاومت و خودداری، سرانجام در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری (۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی) امضا نمود. در این متمم قانون اساسی، در پی مقدمه، حقوق ملت، اعضای مجلسین و سلطنت و همچنین قوای سه‌گانه، نهاد قضایی، مالیه، قشون و انجمن‌های ایالتی، ولایتی نوشته شد.

## حقوق متقابل حکومت و مردم

در بحث حقوق متقابل حکومت و مردم این سوال در اذهان بوجود می‌آید که کامل‌ترین معیار و شاخص چیست؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که کامل‌ترین معیار و شاخص در این مورد دیدگاه قرآن و نهج البلاغه است. به همین جهت است که ابتدا باید به الگوی حقوق متقابل حکومت و مردم از دیدگاه قرآن و سپس به حقوق متقابل حکومت و مردم از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته شود تا عیار حکومت قاجار در زمان نهضت مشروطه در رابطه با بحث حقوق متقابل حکومت و مردم در قانون اساسی مشروطه و متمم قانون اساسی مشروطه مشخص شود.

## حقوق مردم بر حکومت در قرآن کریم

قرآن کریم، وظایفی را برعهده حاکمان و مسئولان و کارگزاران حکومت می‌گذارد که آنان باید در

ارتباط و شیوه رفتاری خود با مردم آنها را رعایت کنند تا موجب سعادت و پیشرفت جامعه شود؛ که ما در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌نماییم. اجتناب از استبداد و خودرأیی (آل عمران، ۱۵۹) - احسان و نیکی به مردم (یوسف، ۵۶) - عدالت گستری (نساء، ۵۸، سوره ص، ۲۶) - اجتناب از ظلم (یوسف، ۷۹-۷۸) پاسداری از احکام و شعائر الهی (حج، ۴۱) - اصلاح امور اقتصادی مردم (اعراف، ۸۵-هود، ۸۵)

### حقوق حکومت بر مردم در قرآن کریم

در سوره مبارکه نساء آیه ۵۸ خداوند فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانشان برگردانید و در وقتی که میان مردم حکم می‌کنید، به عدالت حکم کنید. بعد از این آیه بلافاصله می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کاردارانی که از شما هستند فرمان ببرید. (نساء، ۵۹) در این آیه مردم موظفند که امر خدا و رسول و ولایه امر را اطاعت نمایند.

حقوق مردم و حکومت از دیدگاه حضرت امام علی(ع)

بهترین الگویی که در حکومت اسلامی درباره ی رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت وجود دارد حکومت حضرت امام علی (ع) است که با تمامی سختیها و مشقتها، همواره این حقوق را به عنوان اصل حکومتی در سرلوحه برنامه های خود در نظر داشت. حضرت امام علی (ع) درباره حقوق مردم و حکومت می‌فرماید: بزرگترین این حقوق متقابل، حق حکومت بر مردم و حق مردم بر حکومت است. این حقوق عبارتند از: حق نصیحت و خیرخواهی، حق آزادی، حق عدالت و برابری و مساوات، حق امنیت، حق نظارت، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ کرامتها و ارزشهای انسانی و ... است. از سوی دیگر، مردم ملزم به تبعیت و وفای به عهد خود نسبت به بیعتی است که با رهبر داشته اند و اطاعت کامل از حاکم و اجرای اصل نصیحت و خیرخواهی نسبت به وی می‌باشند. در اندیشه سیاسی حضرت امام علی(ع)، رابطه حقوقی مردم و حکومت متقابل است یعنی مردم بر حکومت حقی دارند و در مقابل حکومت نیز بر مردم حقی دارد، مردم حقوقی دارند که حکومت نمی‌تواند به بهانه های گوناگون، آن را نادیده بگیرد یا سلب کند. در مقابل، حکومت نیز حقوقی دارد و مردم باید آن را رعایت کنند. (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ۲۰۷) حضرت امام علی(ع) در نهج البلاغه درباره ی حقوقی که مردم بردولت و دولت بر مردم دارند می‌فرماید که حقوق مردم بر دولت

عبارتند از: خیرخواهی و خدمت به مردم؛ جمع‌آوری فیء و ثروت‌های ملی و حفاظت از آن‌ها؛ آموزش و تعلیم مردم برای مقابله جاهل و نادانی آنان. اما حقوق دولت بر مردم عبارتند از: وفا کردن به بیعت؛ خیرخواهی و نصیحت در حضور و غیاب پذیرش و آمادگی به هنگام استمداد امام؛ اطاعت کردن مردم به هنگام دستور امام. (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۳۴) از این بحث نتیجه گرفته می‌شود که معیار و شاخص برای حقوق متقابل ملت و پادشاه و یا مردم و دولت، قرآن کریم و نهج البلاغه است. حال که معیار و شاخص برای حقوق متقابل ملت و پادشاه و یا مردم و دولت مشخص شد به موضوع حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن پرداخته می‌شود.

### حقوق متقابل ملت و پادشاه در قانون اساسی مشروطه و متمم آن

در این جا به حقوق حکومت بر مردم و حقوق مردم بر حکومت و پاسخ به این سوال پرداخته می‌شود که آیا در دوره قاجار این حقوق رعایت می‌شد یا نه؟ تا قبل از نهضت مشروطیت در متون تاریخی و سیاسی به کلمه ای به نام ملت بر نمی‌خوریم که در برگیرنده ی همه ی مردم باشد. علاوه بر این در حکومت‌های پادشاهی ایران بعد از اسلام تا قبل از نهضت مشروطیت به مواردی که نشان از حقوق متقابل حکومت و مردم داشته باشد، دست نمی‌یابیم و همیشه رسم بر این بوده که حکومت بر مردم حق داشت و هیچ مسئولیتی در برابر مردم نداشت و جامعه به دو گروه حاکم و محکوم تقسیم می‌شد. برای پاسخ به این سوال باید به وضعیت ایران در دوره قاجار و قبل از مشروطه پرداخته شود.

### وضعیت ایران در دوره قاجار و قبل از نهضت مشروطه

آنچه در دوره قاجار و قبل از نهضت مشروطه بر ایران رفته را عبدالرزاق دنبلی در مائرسطانیه چنین بیان می‌کند: «نه سپاه را نظامی و نه رعیت را انتظامی و نه کار را قوامی و نه ملتزمان رکاب را قوامی و نه قلعه و حصاری که در هجوم نابکاری به کارآید و نه از پیاده و سوار نامداری و کارگذاری که در میدان پیکار و هنگام کارزار در شمارآید...» (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱:ص ۱۲۸) خصوصیت اقتصاد کشاورزی و وضعیت حاکم بر آن، نفوذ و حاکمیت عده معدودی ارباب (حاکم) بر عده فراوانی از کشاورزان بی‌زمینی که به دلیل عدم احساس نیاز یا مشغله‌های خاص زندگی کشاورزی، سواد هم نداشتند، (فلور، ۱۳۶۵:ص ۲/۱۹) (فرهمندزاده، بی تا:ص ۸۱) تقابل روزافزون منافع دو گروه حاکم و

محکوم و وخیم تر شدن زندگی کشاورزی، با توجه به جنگ‌های تحلیل‌برنده‌ای که از سقوط صفویان شروع شده بود، را به دنبال داشت. (عیسوی، ۱۳۳۹:ص ۲۴) وضعیت ایران در این دوره یعنی دوره قاجار در سده‌ی نوزدهم و مقارن نهضت مشروطه، به گونه‌ای بود که پادشاهان قاجار حاکم و زمام‌دار مطلق بودند. حکم این پادشاهان همچون قانون، کلام‌شان حق، اراده‌شان مطلق، عقل‌شان بالاتر از همگان، منویات‌شان لازم‌الاطاعه، رای‌شان ناقب و وجود مبارک‌شان نیز در حقیقت ظل‌الله یا سایه‌ی خدا بر روی زمین بود که هر جنبنده‌ای به زیر آن پناه می‌برد. (زیبا کلام، ۱۳۷۷:ص ۱۰۸) به تعبیری دیگر توده‌ی مردم رعیت به شمار می‌آمدند و تنها انتظاری که از آنان می‌رفت آن بود که همچون گله‌ی گوسفند از شبان خود، یعنی قبله‌ی عالم، تبعیت کنند. (زیبا کلام، ۱۳۸۵:ص ۱۰۸) در بیشتر اوقات پادشاهان قاجاری نه تنها شبانی نمی‌کردند بلکه خود گرگ گله به شمار می‌آمدند. (گیلانی، بی تا:ص ۸) با این توضیح و با نگاهی به متون تاریخی و سیاسی مشخص می‌شود که ساختار اجتماعی در ایران دوره قاجار تفاوت عمده‌ای با حکومت‌های قبل از آن نداشت. در راس هرم قدرت شاه قرار داشت که بالاترین مقام قدرت در کشور به او اختصاص داشت و صاحب جان و مال همه بود و جان و مال هر که را اراده می‌نمود، می‌گرفت. (کرزن، ۱۳۴۷: صص ۹۳-۹۲) در چنین وضعیتی در همه امور رأی نهایی خواست پادشاه بود و در واقع او سرنوشت کشور و مردم را در دست داشت. پادشاه برای اداره امور کشور گروهی از افراد را به خدمت می‌گرفت و در راس این افراد صدر اعظم یا اعتمادالدوله بود. صدر اعظم نظارت بر اداره کشور را به عهده داشت و در واقع نماینده پادشاه در این مورد بود. در مقایسه با امروز صدراعظم خود عهده‌دار وظایف همه وزیران بود و به کمک شبکه‌ای از کارمندان در پایتخت و ایالات به امور رسیدگی می‌نمود. این نوع ساختار، مستلزم این بود که هر نوع تغییر و تحولی لزوماً باید از بالای هرم اجتماعی صورت پذیرد و راهکارهای آن از همین طریق تجویز و اجرا گردد. (فرهمندزاده، بی تا:ص ۸۱) با توجه به اینکه ساختار حکومت شاهنشاهی در ایران، ساختار ملوک‌الطوایفی بود، کارگزاران حکومت از فرزندان یا برادران یا خویشان یا وابستگان و نوکران شاه بودند. آنها معتقد بودند، مردم برده و فرمانبردار آنها هستند و تنها زور است که این مردمان را به‌نظم می‌آورد. حاکمان قاجار، هیچ‌گاه خود را خدمتگزار مردم نمی‌دانستند، بلکه آنها را خادم خود می‌پنداشتند. (شیرخانی و رضایی، علی و مرتضی، ۱۳۹۰: ص ۹۶)

اصول قانون اساسی مشروطه مورخ ۱۴ شهر ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۴

در این جا برای این که مشخص شود که آیا به حقوق ملت یا مردم در قانون اساسی مشروطه و متمم قانون اساسی توجه شده یا این که تنها به شکل سمبلیک از کلمه ملت یا مردم استفاده شده، باید به اصل ها و یا موادی که کلمه ملت یا مردم در آن آمده، پرداخته شود که این اصل ها و مواد عبارتند از: الف - اصل های قانون اساسی مشروطه شامل: اصل اول: مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است.

اصل یازدهم: اعضاء مجلس بدو که داخل مجلس می شوند باید به ترتیت ذیل قسم خورده و قسم‌نامه را امضاء نمایند.

روشن است که در قانون اساسی مشروطه از ماده یک تا ماده یازده هیچ بحثی درباره کلمه ملت گفته نشده تا برسد به این که در مورد حقوق متقابل حکومت و مردم بحث شود.

#### صورت قسم‌نامه

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را بشهادت می‌طلبیم و بقرآن قسم یاد می کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما ممکن باکمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفتخ خودمان صدیق و راستگو باشیم و باساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران. ملت از تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و برهیچکس مستور نماند لهدا عموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آن‌ها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی رد روزنامه‌جات و مطبوعات بر مخالف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نمایند یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.

اصل پانزدهم: مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میدانند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و

اطمینان با تصویب مجلس سنا توسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصره همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده شود.

از اصل دوازده تا اصل چهارده هم هیچگونه بحثی از ملت یا مردم نشده و تنها در اصل پانزدهم است که از کلمه ملت نام برده شده آن هم نه درباره حق و حقوق ملت بلکه به شکل سمبلیک در کنار ملک آمده است.

اصل بیست و چهارم: بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه‌هایی که استتار آن‌ها صلاح دولت و ملت باشد.

از اصل شانزده تا اصل بیست و سوم هم هیچگونه بحثی از ملت یا مردم نشده تا این در اصل بیست و چهارم باز مثل مورد قبلی نام ملت در کنار دولت آمده است.

اصل چهل و دوم: در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابت و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه اقتضاء بعهدۀ تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاءمدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید.

از اصل بیست و چهار تا اصل چهل و یکم هم هیچگونه بحثی از ملت یا مردم نشده تا این در اصل چهل و دوم نام ملت در کنار دولت آمده است.

اصل چهل و پنجم: اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی تهران پانزده نفر به انتخابات اهالی ولایات.

در اصل چهل و سه و چهل و چهار هیچ گونه خبر یا بحثی از کلمه ملت یا مردم نیست تا این که در اصل چهل و پنجم آن جا که بحث از نمایندگان ولایات می شود در این جا به کلمه ملت اشاره می شود.

اصل پنجاه و یکم: مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشدید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت برقرار و مجری

فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته در عهده شناسند.

از اصل چهل و پنج تا اصل پنجاهم هیچ گونه بحثی از مردم یا ملت عنوان نمی شود تا اینکه در اصل پنجاه و یکم قانون اساسی مشروطه هم به کلمه ملت اشاره می شود و هم به حقوق دولت یا حکومت در مقابل ملت یا مردم. با توجه به آن چه گفته شد این که برخی اصل های قانون اساسی مشروطه هیچ اشاره ای به حقوق دولت و ملت ننمودند و تنها در اصل پنجاه و یکم به حقوق دولت و ملت اشاره شده، آن چه مشخص است این که در اصل پنجاه و یک درست است که به حقوق دولت و ملت اشاره شده ولی در اینجا دولت است که بر ملت حق دارد و ملت هیچ حقی بر دولت ندارند برای همین بود که از میان ایراداتی که به قانون اساسی مشروطه وارد بود این بود که به حقوق ملت در آن توجه نشده بود و برای همین بود که متمم قانون اساسی مشروطه به تصویب رسید.

ب. اصل های متمم قانون اساسی مشروطه مورخ ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ - مصوب ۱۲۸۶،۰۷،۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی

اصل دوم: مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کم تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آن ها را یا بیش تر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هریک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده با زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصل هفتم: اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست. حقوق ملت ایران در متمم قانون اساسی مشروطه از اصل یکم تا اصل ششم هیچ بحثی از حقوق ملت و دولت نشده تنها در اصل هفتم است که سه کلمه اکثفا شده حقوق ملت ایران.

اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید.

در اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطه هیچ بحثی از حقوق ملت و دولت نشده اما در اصل نهم از امنیت جانی و مالی افراد مردم بحث شده است.

اصل نوزدهم: تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

از اصل دهم متمم قانون اساسی مشروطه تا اصل هیجدهم هیچ بحثی از حقوق ملت و دولت نشده اما در اصل نوزدهم در آن جا که بحث از تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی می‌شود از کلمه ملت در کنار دولت استفاده می‌شود.

اصل بیست و ششم: قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌نماید.

از اصل بیستم تا اصل بیست و پنجم نامی از کلمه ملت نیست تا این که در اصل بیست و ششم از ملت نام برده می‌شود.

اصل سی‌ام: وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آن‌ها را انتخاب نموده‌اند.

از اصل بیست و هفتم تا اصل بیست و نهم نامی از کلمه ملت برده نمی‌شود ولی در اصل سی‌ام هنگام بحث از وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از کلمه ملت نام برده می‌شود.

اصل سی و دوم: چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

در اصل سی و یکم هم نامی از کلمه ملت برده نمی‌شود تا این که در اصل سی و دوم از کلمه ملت

نام برده می شود.

اصل سی و پنجم: سلصنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده است .

از اصل سی و سوم و اصل سی و چهارم خبری از کلمه ملت نیست تا این که در اصل سی و پنجم گفته می شود که سلصنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده است.

اصل سی و نهم: هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی تواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیأت وزراء بقرار ذیل قسم یاد کنند: من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد می کنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت به ترقی ایران توفیق می طلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد می کنم. از اصل سی و ششم تا اصل سی و هشتم خبری از کلمه ملت نیست تا این که در اصل سی و نهم از حقوق ملت بحث می شود.

اصل چهل و چهارم: شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند.

از اصل چهلم تا اصل چهل و سوم خبری از کلمه ملت و حقوق ملت نیست تا این که در اصل چهل و چهارم تنها به نام بردن از کلمه ملت بسنده می شود.

اصل نود و هفتم: در مواد مالیات هیچ تفاوت و امتیازی فی مابین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

از اصل چهل و پنجم تا اصل نود و ششم خبری از کلمه ملت و حقوق ملت نیست تا این که در اصل نود و هفتم برای بحث مالیات از کلمه ملت نام برده می شود و در نهایت این که در متمم قانون اساسی مشروطه از اصل نود و هفتم تا اصل آخر که اصل یکصد و هفتم است نامی از کلمه ملت

برده نمی‌شود. نتیجه‌ای که از قانون اساسی مشروطه و متمم قانون اساسی مشروطه در بحث کلمه ملت و حقوق دولت و ملت در دوره قاجار گرفته می‌شود این است که نام بردن از کلمه ملت در دوره قاجار شعاری بیش نبوده و آنجایی که بحث از حقوق متقابل می‌شود حکومت یا دولت بر مردم یا ملت حق داشت و هیچ‌گونه مسئولیتی نداشت و مردم یا ملت هیچ‌گونه حقی بر حکومت یا دولت نداشت ولی در مقابل حکومت یا دولت مسئولیت داشت و در مجموع مردم یا ملت فاقد هرگونه حقوقی بودند.

تلاش گروه‌های اجتماعی در مورد حقوق متقابل ملت و حکومت در دوره قاجار در مورد تلاش گروه‌های اجتماعی در مورد حقوق متقابل ملت و حکومت در دوره قاجار به طور مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. در میان اصلاحگران و روشنفکران دوره قاجار اولین شخصی که به دفاع او از منافع و حقوق ملت ایران پرداخت میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود، (راعی گلوچه، ۱۳۸۰:ص ۸۳) بعد از میرزا ابوالقاسم قائم مقام میرزا حسین خان سپهسالار است که به حقوق ملت و حکومت می‌پردازد، در این مورد آدمیت می‌نویسد هیچ‌وزیری به اندازه میرزا حسین خان سپهسالار مفهوم ملت را عرف سیاست به کار نبرد. از خصوصیات نوشته‌های او به شاه این است که هر کجا از خدمت دولت سخن می‌گوید، بلافاصله لفظ ملت را می‌آورد (آدمیت، ۲۵۳۵:صص ۲۹۶-۲۵۴) تا آن جایی که می‌توان گفت که خانه او خانه ملت بود. (آدمیت، ۲۵۳۵:ص ۴۵۹) بنابراین میرزا حسین خان سپهسالار بیش از هر کس در میان دولتمردان عصر ناصری، در ترویج مفهوم ملت و وطن در نوشته‌های رسمی این دوره نقش ایفا نمود. او از دوستان میرزا فتحعلی آخوندزاده بود و در نوشته‌های رسمی خود از ناسیونالیسم، وطن خواهی و ملت داری فراوان سخن گفت و تلاش نمود واژه رعیت را به ملت تغییر دهد. (آدمیت، ۱۳۵۱:صص ۱۶۱-۱۶۰-۳۰) (قدیمی قیداری، ۱۳۹۱:ص ۸۲) بعد از این اشخاص میرزا عبدالرحیم طالبوف بود که از ملت و حق حاکمیت ملت سخن گفت. وی در مجموعه آثار خود به نقش پارلمان و قانون اساسی که حقوق قانونی پادشاه و اتباع کشور را تعیین و مشخص می‌سازد، تاکید نمود و از حق حاکمیت ملت و از مساوات و آزادی افراد در برابر قانون سخن گفت و تصریح نمود که قدرت دولت ناشی از قدرت ملت است. طالبوف، نماینده مردم تبریز در اولین دوره مجلس شورای ملی، قانون را عبارت از احکام اداره دولتی می‌داند اما قانون اساسی را

مجموعه قوانینی می‌داند که در آن حقوق پادشاه و رعیت مشخص است و تاکید می‌کند این نظام‌نامه که در دست ماست قانون اساسی نیست، فقط سندی است که ملت حق دارد توسط وکلای خود در مصالح امور خودشان وضع قانون و مطالبه اجرای آن را بکند و ادامه می‌دهد که در این قانون تاحدودی حدود ملت مشخص شده است اما حقوق دولت یا شخص پادشاه به قرار سابق مبهم مانده و شاید همین ابهامات دست نهاد سلطنت و شاه را در تغییر و بازنگری‌های بعدی صورت گرفته در قانون اساسی باز می‌گذاشت. (طالبوف، ۱۳۹۴: صص ۱۹۲-۱۹۱-۱۹۰)

همزمان با اصلاحگران و روشنفکران دوره قاجار علما هم در راه اعتلای نام ملت در برابر دولت تلاش نمودند. اولین هدف علما در نهضت مشروطه، برقراری عدالت و اجرای قانون در جامعه بود که براساس آن، رابطه‌ی مردم با دولت و رابطه‌ی دولت با ملت معلوم شود. مرحوم آخوند خراسانی، یکی از رهبران مشروطه در تعریف این رابطه می‌گویند: مشروطیت هر مملکت، عبارت از محدود و مشروط بودن سلطنت و دوایر دولتی است برای عدم تخطی از حدود و قوانین وضع شده براساس مذهب رسمی آن کشور. بنابراین، روحانیت، خواهان عدالتی بودند که فرقی بین فقیر و غنی و قوی و ضعیف وجود نداشته باشد، بلکه همه در سایه‌ی قانون، یکسان دیده شوند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: صص ۹۳) علما به عنوان سخنگوی مردم در برابر حکومت شناخته می‌شدند و اصطلاح «علمای ملت» در مقابل «اولیای دولت» اصطلاحی رایج بود. (حائری، ۱۳۶۰: صص ۱۱۷) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: صص ۹۷) در ادامه این انجمن‌ها، مجامع سیاسی و روزنامه‌ها هستند که به حقوق ملت می‌پردازند که از میان این‌ها می‌توان به مجمع آدمیت اشاره نمود. میزان نفوذ و قدرت سیاسی و ریشه دار بودن مجمع آدمیت را از نامه قاطع و صریحی که رئیس آن یعنی میرزا عباسقلی آدمیت (آدمیت، ۱۳۹۴: صص ۲۸۵) به مظفرالدین شاه نوشته است، باید سنجید. او خطاب به شاه قاجار می‌گوید: «حقوق ملت ودایع (ودیع) خداست و تأخیر و تعطیل آن بیش از این جایز نیست... و واجب است که اذعان صریح به حقوق قاطبه ملت ایران بفرمایند و دستخط مختاریت عامه و تاسیس مجلس شورای ملی را صادر فرمایند.» این مطلب فوق العاده مهم است که قبل از تأسیس مجلس به شاه می‌نویسد: «مجلس شورای ملی باید دائماً و بدون تعطیل مفتوح و برقرار باشد. (رائین، ۱۳۵۰: صص ۵۸)

## نتیجه گیری

با توجه به آن چه گذشت می توان گفت که تا قبل از نهضت مشروطیت در متون تاریخی و سیاسی و به طور کلی در ادبیات سیاسی به کلمه ای به نام ملت بر نمی خوریم که در برگیرنده ی همه ی مردم باشد. علاوه بر این در حکومت های ایران بعد از اسلام تا قبل از نهضت مشروطیت به مواردی که نشان از حقوق متقابل حکومت و مردم داشته باشد، دست نمی یابیم و همیشه رسم بر این بوده که حکومت بر مردم حق داشت و هیچ مسئولیتی در برابر مردم نداشت و جامعه به دو گروه حاکم و محکوم تقسیم می شد. با نگاهی به متون تاریخی و سیاسی مشخص می شود که ساختار اجتماعی در ایران دوره قاجار تفاوت عمده ای با حکومت های قبل از آن نداشت. در راس هرم قدرت شاه قرار داشت که بالاترین مقام قدرت در کشور به او اختصاص داشت و صاحب جان و مال همه بود و جان و مال هر که را اراده می نمود، می گرفت. در چنین وضعیتی در همه امور رأی نهایی خواست پادشاه بود و در واقع او سرنوشت کشور و مردم را در دست می داشت. این نوع ساختار، مستلزم این بود که هر نوع تغییر و تحولی لزوماً باید از بالای هرم اجتماعی صورت پذیرد و راهکارهای آن از همین طریق تجویز و اجرا گردد. حکومت قاجار و پادشاهان آن در جایگاه حاکم و بقیه در حکم محکوم بودند و از هرگونه حقوقی محروم و محکوم به این بودند که فاقد هر گونه حقوقی باشند. نهضت مشروطیت نتیجه تعامل و هم فکری اصلاحگران، روحانیون و روشنفکران و محصول فکری این سه گروه یعنی روزنامه ها و انجمن ها بود که هر کدام از این عوامل فکری داخلی سهمی عمده در نهضت مشروطه داشتند این گروه ها معتقد بودند که هرگونه تحولی باید از بالا و راس هرم ساختار سیاسی حکومت قاجار یعنی پادشاه صورت گیرد که دارای صاحب جان و مال مردم بود و مردم در مقابل او پاسخگو بودند و او در مقابل مردم پاسخگو نبود و در مجموع حقوق متقابلی وجود نداشت و هر حقوقی اگر هم بود به نفع پادشاه و حکومت قاجار بود. در نتیجه عوامل فوق و ماهیت استبدادی پادشاهان قاجار و شرایط حاکم بر ساختار سستی حکومت قاجار، زمینه های نهضت مشروطه را فراهم و آن ها را از موضع مستبدی به سوی مجلس و قانون اساسی سوق داد و پس از قرن ها برای اولین بار در نهضت مشروطه بود که کلمه ملت به عنوان مفهوم سیاسی وارد ادبیات سیاسی کشور شد و پادشاه را که صاحب اختیار جان و مال همه و حاکم مطلق العنان بود و حکومت قاجار

را که در ادامه حکومت های قبل از خود در دور باطل خود سیر می نمود و مملکت را به دو گروه حاکم و محکوم تقسیم می نمود و نمی خواست از این چرخه باطل خارج شود، قدرت او را محدود و مقید به قانون اساسی نمود و علاوه بر این مردم را به حقوق خود بر حکومت و حقوق حکومت بر مردم آشنا نمود و تا حدودی مردم را به صورت محدودی از برخی حقوق فردی و اجتماعی برخوردار ساخت، مملکت را که تا آن زمان فاقد مجلس، قانون اساسی و نظم و انتظامی بود، نظم و انتظامی خاص بخشید.

### فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آدمیت، فریدون، ۱۳۴۹، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

آدمیت، فریدون، ۱۳۵۳، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، مجتمع خدمات بهزیستی نایبانیان، رودکی.

آدمیت، فریدون، ۱۳۵۱، اندیشه ترقی حکومت قانون زمان سپهسالار، چاپ اول، تهران، خوارزمی.  
امینی، علیرضا، ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، ۱۳۸۵، تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (از قاجاریه تا رضاشاه)، تهران، قومس.

حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۰، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، نشر امیر کبیر.  
رائین، اسماعیل، ۱۳۵۰، میرزا ملکم خان زندگی و کوشش های سیاسی او، تهران، انتشارات فرانکلین.  
زیبا کلام، صادق، ۱۳۸۲، سنت و مدرنیته، تهران، روزنه.

زیبا کلام، صادق، ۱۳۸۵، ما چگونه ما شدیم، ریشه یابی علل عقب ماندگی در ایران. چاپ چهاردهم، تهران، روزنه.

زیباکلام، صادق، ۱۳۷۷، سنت و مدرنیته، ریشه یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران  
زمان قاجار، تهران، روزنه.

شمیم، علی اصغر، ۱۳۴۲، ایران در دوره قاجاریه، تهران، ابن سینا.

عیسوی، چارلز، ۱۳۶۹، تاریخ اقتصادی ایران زمان قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه. ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره.

فریزر، جیمزبیلی، ۱۳۶۶، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس.

فلور، ویلم، ۱۳۶۵، جستارهای تاریخ اجتماعی ایران زمان قاجار، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.

کرزن، ناتانیل، ۱۳۶۲، ایران و قضیه ی ایران، ترجمه وحید مازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

گیلانی، سورنا، بی تا، نوگرایی و اصلاح طلبی در زمان قاجار، روزنامه سرمایه، شماره ۲۲۰.

مفتون دنبلی، عبدالرزاق، ۱۳۵۱، مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ های ایران و روس) به اهتمام غلامحسین صدری افشاری، تهران، ابن سینا.

راعی گلوچه سجاد، ۱۳۸۰، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

#### مقالات

شادآرام و ملایی، صدیقه و علیرضا، بهمن ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی کتاب احمد اثر طالبوف تبریزی و امیل ژان ژاک روسو از منظر ادبی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری کتاب احمد از امیل، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.

شیرخانی و رضایی، علی و مرتضی، ۱۳۹۰، نقش روحانیت در انقلاب مشروطه، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۵.

فرهمند زاده، ف. (بی تا، ...)، موانع اصلاحات عباس میرزا نایب‌السلطنه در بخش های دربار، سپاه و نهاد دین، مجله علمی-تخصصی تاریخ ایران و اسلام.

قدیمی قیداری، عباس، بهار ۱۳۹۱، تاریخ نویسی باستانگرا و ناسیونالیستی ایران در عصر قاجار، فصلنامه مطالعات تاریخ ایران اسلامی، سال اول، شماره اول.